



## Investigating Islam Training System Features based on Nahj-al-Balaghe Doctrine through Thematic Analysis Approach

Mohammad Zadmehr<sup>1</sup>, Zahra Ali Panahi<sup>2</sup>, Fatima Farahmand<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD., Student, Department of Educational Management, Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (**Corresponding author**). mo.zadmehr@gmail.com

<sup>2</sup> Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran.  
z.alipanahi27@gmail.com

<sup>3</sup> Master's Student, Department of Educational Psychology, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran. f.a.farahmand10@gmail.com

### Abstract

The current research purpose is to examine the characteristics of Islam training system based on Nahj-al-Balaghe wisdom or doctrine. To do this, qualitative approach method with inductive approach was used. In order to extract the content, thematic analysis technique was applied. The crucial difference of this study with previous one is that Islamic training features are connect with the special focus on Nahj-al-balaghe and they were extracted from Imam Ali (AS) words and practices. The results demonstrated that the relationship between the quadruple themes arises in the following form: education and training should be based on training and educating human beings in the field of personal, social and religious issues. As the matter of fact, in the first characteristic, human beings should be trained and trained for social a personal life and individual skills, and in second and third features religious issues and for the fourth feature knowledge acquisition should be taught. As a result, an educational and training system must be designed that include these four features in all sections to witness the realization of Islamic theology and education.

**Keywords:** Islamic training, Nahj-al-balaghe, Training and education, Teaching and Training, Theme analysis Technique.

Received: 2023/05/23; Received in revised form: 2023/06/18; Accepted: 2023/06/20; Published online: 2023/06/22

<https://doi.org/10.22034/riet.2023.14518.1189>

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university



## بررسی ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام مبتنی بر حکمت‌های نهج‌البلاغه با رویکرد تحلیل مضمون

محمد زادمهر<sup>۱</sup>، زهره علی‌پناهی<sup>۲</sup>، فاطمه فرحمند<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران  
(نویسنده مسئول). mo.zadmehr@gmail.com

<sup>۲</sup> گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. z.alipanahi27@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی،  
دزفول، ایران. f.a.farahmand10@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام مبتنی بر حکمت‌های نهج‌البلاغه بود. بدین منظور از روش کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شد. به منظور استخراج مطلب، فن تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفت. وجه افتراق مهم این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این است که ویژگی‌های تربیت اسلامی با نگاه ویژه به نهج‌البلاغه بوده و از سخنان حضرت علی(ع) استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که رابطه بین مضامین چهارگانه به این شکل مطرح است: تعلیم و تربیت باید بدنبال تربیت انسان‌ها در حوزه مسائل شخصی، اجتماعی و دینی باشد. در واقع در ویژگی اول انسان برای زندگی اجتماعی و شخصی و مهارت‌های فردی، در ویژگی‌های دوم و سوم پیرامون مسائل دینی و در ویژگی چهارم برای کسب علم و دانش تربیت می‌شود. در نتیجه باید نظام تعلیم و تربیتی طراحی گردد که شامل این چهار ویژگی در تمام بخش‌ها باشد تا شاهد تحقق تربیتی اسلامی بود.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت، نهج‌البلاغه، آموزش و پرورش، فن تحلیل مضمون.

استناد به این مقاله: زادمهر، محمد؛ علی‌پناهی، زهره؛ فرحمند، فاطمه (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام مبتنی بر حکمت‌های نهج‌البلاغه با رویکرد تحلیل مضمون، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۲)، ص ۶۵-۸۴.

<https://doi.org/10.22034/riet.2023.14518.1189>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



## ۱. مقدمه

انسان، برترین آفریده خداوند و والاترین نشانه قدرت اوست. تمام زمینه‌های رشد و کمال در وجود انسان نهاده شده است تا به مقام خَلِيفَةُ اللَّهِ برسد و این هدف جز با تربیت دینی و اخلاقی ممکن نیست. هدف از رسالت انبیاء و امامان معصوم(ع) نیز فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان و رهانیدن او از گمراهی‌ها و هدایت به سوی نور است. اگر این تحول مقدس براساس تربیت الهی در انسان تحقق نیابد، انسان در مرتبه حیوانی‌اش می‌ماند و در جهت سیر نزولی گام برمی‌دارد. همه تلاش انبیاء و همت معصومان(ع) این بوده است که انسان تربیت کنند. از دیدگاه اسلام و مکتب تشیع، بهترین راه تربیت انسان، پیروی از وحی الهی و سنت معصومین است (مرادی مهرآبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۷۳).

تعلّم به معنی یاد دادن و آموزش بوده و فراگیری دانش است، تعلیم تاباندن نور علم و دمیدن روح حیات به کالبد خسته جامعه بوده و تعلّم رها شدن از گرداب نادانسته‌ها است. اسلام در این حرکت از همه مکاتب پیش‌قدم‌تر و مصمّم‌تر است، به‌شکلی که فراگیری دانش را از محوری‌ترین برنامه‌های فردی و اجتماعی قرار داده است. نخستین نغمه‌های آسمانی وحی در اسلام، بیان‌کننده ارزش قلم و آموزش علم و دانش است (علق، ۱-۵) و آن را از جمله نعمت‌های مهم خداوند در مورد انسان معرفی می‌کند (احمدی، ۱۴۰۰). اولین معلم این مکتب، ذات باری تعالی و نخستین دانش‌آموز آن نیز نبی مکرم اسلام(ص) است. در همین راستا است که پیامبر اکرم(ص) زمانی که در مسجد گروهی را مشغول مذاکره و مباحث علمی و گروهی را مشغول عبادت می‌بینند، رفتن به نزد مباحثه‌کنندگان علمی را به جمع عبادت‌کنندگان ترجیح می‌دهند و درباره این رفتار خود می‌فرمایند: «من برای تعلیم فرستاده شده‌ام» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰۶).

با عنایت به تعریف تربیت که عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود، به طبع برای گام برداشتن در مسیر تربیت، شناخت موضوع تربیت، یعنی انسان، اهداف تربیت انسان، راه تربیت و بستر مناسب آن، و عوامل دخیل و تاثیرگذار در تربیت انسان، از ضروری‌ترین امور است و بدون چنین شناختی کار تربیت سامانی درست نمی‌یابد (مرادی مهرآبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۴).

دایره‌المعارف بین‌المللی تربیت، تربیت اسلامی را چنین تعریف می‌کند: تدریس منظم و برنامه‌ریزی شده که هدف آن دستیابی فرد به اعتقادهایی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی است که در جامعه با آنها زندگی می‌کند و بلکه

با همه افراد بشر است (صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، ص ۷۸). تربیت دینی تمام‌عیار مشتمل بر تربیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده و اساساً یک مؤمن راستین نمی‌تواند از بینش، ارزش، احساس، انگیزه و کنش‌های سیاسی متناسب با اقتضانات ایمانی و تعهدات اجتماعی خویش، کاملاً برکنار باشد. بنابراین، تربیت دینی در تمام ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵). حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرزندان‌شان می‌فرمایند: «همانا کودک و نوجوان مانند زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود، پس، در تربیت تو شتاب کردم، قبل از آنکه دل تربیت‌پذیرت سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، به نقل از: صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

از دیدگاه شهید مطهری تربیت عبارت است از: پرورش دادن؛ یعنی استعداد‌های درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۵۵۱). در تعریفی دیگر از دیدگاه علامه مصباح، تربیت فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خویش بهره‌مند شود (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸).

با توجه به موضوع پژوهش حاضر باید اشاره نمود که در عصر جهالت و ضلالت، تنها فردی که عنوان شاگردی پیامبر اسلام (ص) را بر دوش می‌کشیدند، حضرت علی (ع) بودند که وارث حقیقی علوم پیامبر اکرم (ص) و کلیه علوم آسمانی شدند. چنانکه امام باقر (ع) می‌فرمایند: «خداوند متعال تمام علوم انبیای گذشته را از زمان حضرت آدم (ع) تا بعثت نبی اسلام (ص) به آن حضرت مرحمت فرمود و رسول خدا (ص) نیز همه آنها را به امیرالمؤمنین علی (ع) انتقال داد» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲؛ احمدی، ۱۴۰۰).

سخنان گهربار این شاگرد مکتب نبی اکرم (ص)، نهج‌البلاغه است که بی‌تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث اسلام می‌باشد. این کتاب مجموعه‌ای به ابعاد وجودی يك انسان کامل است، زیرا نازلات و صادرات وجودی والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (ص) است.

جنبه مهم پژوهش حاضر در این است که ویژگی‌های تربیت اسلامی با نگاه ویژه به نهج‌البلاغه و از سخنان حضرت علی (ع) استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. درواقع پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام مبتنی بر حکمت‌های نهج‌البلاغه، چه مواردی هستند؟ در این راستا، از روش پژوهش اکتشافی از نوع کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شد.

## ۲. بیان مسئله

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین در تعلیم و تربیت انسان‌ها، نظام تربیتی منحصر به فردی دارد که از نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی او سرچشمه می‌گیرد. آفرینش انسان بی‌هدف و لغو نیست. بدین هدف آفریده شده تا با علم و عمل صالح و اخلاق نیک، روح انسانی خود را پرورش و تکامل دهد و برای زندگی خوب و نورانی جهان پس از مرگ، آماده سازد. اندیشمندان مسلمان از فیلسوفان گرفته تا دیگران، در پرتو تعالیم انسان‌ساز اسلامی، به موضوع انسان، کمال و سعادت او، و راه‌های وصول به کمال، بسیار پرداخته‌اند و نظام‌های فکری را برای پاسخگویی به سوالات مربوط به انسان و تربیت او بنا گذارده‌اند. در بنای این نظام‌ها، علاوه بر بهره‌ای که از آموزه‌های دینی برده‌اند، از حاصل اندیشه‌های فیلسوفان نیز سود جسته‌اند (ستایش‌فر، ۱۳۹۵، ص ۸۲).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، تربیت‌پذیری است که از آغاز پیدایش شروع شده و در طول تاریخ ادامه داشته و خواهد داشت. تعلیم و تربیت یک نمای مداوم انسانی است که نسل بزرگ‌تر، حاصل آموخته‌ها و تجربه‌های خود و گذشتگان را به نسل کوچک‌تر منتقل می‌کند. ترقی و تمدن انسان‌ها در ابعاد مختلف، معلول همین تعلیم و تربیت است (امینی، ۲۰۱۱).

تربیت دینی تمام‌عیار مشتمل بر تربیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. بنابراین، تربیت دینی در تمام ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار است. با نگاهی اجمالی به سیره بزرگان دین و تأمل در درون‌مایه‌های تربیت دینی، صحت این ادعا را به روشن‌ترین بیان ممکن مبرهن می‌سازد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵). تربیت دو جنبه دارد: یکی جنبه روحی، دیگر جنبه اجتماعی و تناسب با وضع زندگی. لازم است که به هر دو جنبه، به یک میزان توجه شود تا زبانی حاصل نگردد (ستایش‌فر، ۱۳۹۵، ص ۸۴).

در ارتباط با تعلیم نیز می‌توان گفت که تعلیم مصدر باب تفعل و به معنای آموختن و یاد دادن است (احمدی، ۱۴۰۰). در واقع تعلیم، انتقال عین معلوم به نفس متعلم است (ستایش‌فر، ۱۳۹۵، ص ۸۳). تعلیم آنگاه تحقق می‌یابد که بتوان متعلم را نسبت به معلوم، عالم نامید. تعلیم زمانی است که در عین مفهوم به قلب دانش‌آموز یا دانشجو منتقل شده و نقش بنیاد (روستایی، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

حضرت علی (ع) تربیت را در گرو عواملی می‌داند که خواسته یا ناخواسته بر آن تاثیر می‌گذارند. در سیره تربیتی ایشان بحث عوامل تربیت بگونه‌ای شایسته مورد توجه قرار گرفته است. ایشان عوامل مؤثر بر تربیت را به سه دسته تقسیم می‌کنند: وراثت، محیط، اراده فردی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵).

**الف) عامل وراثت:** از جمله عوامل مهم و مؤثر در تربیت انسان به نحو ضرورت، وراثت است؛ بدین

معنا که خصوصیات آبا و اجداد به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

**ب) عوامل محیطی:** دومین عامل مؤثر در تربیت دینی، عوامل محیطی است. این عوامل شامل خانواده، دوستان و محیط اجتماع است.

**ج) اراده فردی:** اگر بپذیریم که تربیت فقط در گرو محیط و وراثت است، در چنین صورتی نقش فرد در تربیت، یک نقش منفعل خواهد بود. انسان قدرت اراده و تعیین سرنوشت دارد (صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، ص ۸۴). بنابراین، اراده فرد نیز بسیار مهم و تأثیرگذار در تربیت فردی است. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «انسان باید از همه قدرت خود برای خود، و از حیات برای مرگ، و از امور فانی برای حیات باقی، و از آنچه از دست می‌رود، برای جای ابدی توشه بگیرد. چنین شخصی است که از خدا ترسید، در صورتی که تا رسیدن اجل فرصتش داده‌اند، و تا انجام عمل مهلت در اختیارش گذاشته‌اند. او مردی است که نفس را دهن‌بند زده، و مهارش را در اختیار خود دارد، نفس را با آن دهن‌بند از آنچه خدا نهی فرموده باز داشته، و به مهار آن، خود را به سوی بندگی حق می‌برد (نهج‌البلاغه، خطبه، ۲۳۷). با عنایت به تعاریف تربیت که پیش از این شرح داده شد، مبانی تربیت در نهج‌البلاغه به شرح زیر می‌باشد:

**۱) شناخت انسان:** شامل شناخت عیوب نفس، شناخت توانایی‌ها و امکانات نفس، شناخت دیگر مردمان و مراتب ایشان و شناخت خدای متعال است.

**۲) شناخت فطرت:** خدا همه موجودات را به آفرینش خاصی آفریده که به سبب آن آفرینش، به سوی مطلوب خویش سیر کند و به کمال خود برسد.

**۳) اهداف تربیت:** بی‌گمان تعیین اهداف تربیت و حفظ آن اهداف در مسیر تربیت، از اساسی‌ترین مسائل یک نظام تربیتی است؛ زیرا همه ساختار یک نظام تربیتی با توجه به اهداف آن شکل می‌گیرد. برخی از اهداف تربیت از دیدگاه امام علی (ع) عبارتند از:

**الف) وارستگی و بندگی:** امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حرا» (ورام، ۱۳۶۹)، «پسرم، در دنیا بنده کسی مباش؛ زیرا خدا تو را آزاد آفریده است».

**ب) آخرت‌گرایی:** جهت‌گرایی آخرتی در همه امور است که استعدادهای نورانی انسان شکوفا می‌شود و راه را درست و سلامت طی می‌کند و به سلامت نفس و رضایت حق دست پیدا می‌کند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلِكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ...»، «پاداش مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده، برتر از پاکدامنی نیست که توان گناه دارد و گناه نکند، که پاکدامن در آستانه فرشته شدن است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۶).

ج) پروا پیشگی و پرهیزکاری: امام علی(ع) می‌فرمایند: «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّهَا النَّجَاةُ عَدَاً وَ الْمَنْجَاةُ أَدَاً...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱)، «بندگان خدا، شما را به تقوا و طاعت خدا سفارش می‌نمایم، که باعث نجات فردا، و سبب آزادی ابدی است» (مرادی مهرآبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۶).

### ۳. پیشینه پژوهش

احمدی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در نهج البلاغه»، نشان داد که اولین گام در جهت پیشرفت هر جامعه، پرداختن به تعلیم و تربیت است. همچنین در این پژوهش ویژگی‌های نظام تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، تحت چهار عنوان هدایتی، اجتماعی، عقلایی و معنوی بررسی شده است. هدف کلی تعلیم و تربیت در اسلام، پرورش نیروها و استعدادهایی است که آفریدگار جهان برای سعادت و کمال انسان در وجود او به ودیعه نهاده است، تربیت، ایجاد تحول و تغییری است در انسان که بتواند با آن، نیروها و استعدادهای ارزنده خویش را در راه کمال و سعادت حقیقی خود به کار اندازد. اهداف اصیل زندگی و راه نیل به این اهداف را تشخیص دهد و برای تحقق بخشیدن به آن، تمام تلاش خود را بکار بندد. باید در نظر داشت که موضوع تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به انسان با تمام ابعاد جسمانی و روحانی اش می‌باشد و از آنجا که این ابعاد همواره در حال تغییر و تحول هستند، برای پرورش آنها باید از روش‌های پویا و متنوع بهره گرفت. مرادی مهرآبادی (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «مبانی تعلیم و تربیت در صحیفه سجادیه و نهج البلاغه»، ضمن توجه به این مهم که این دو کتاب ابعاد گوناگونی دارند، بررسی بُعد تربیتی آن را مطرح نظر قرار داده و با بررسی هر دو کتاب تأکید می‌نماید که مهم‌ترین مبنا در تربیت و هدایت انسان، شناخت است. شناخت درون انسان و سپس شناخت جهان هستی.

زینب دروار، علی قادری و سوسن نعمت‌الهی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «معلم و تعلیم و تربیت در نهج البلاغه و از کلام امیرالمومنین علی(ع)»، نشان داد که مربی و معلم باید ابتدا خود دانش‌آموخته و تربیت شده باشند، آنگاه مربی و معلم دیگران شود. سخن گفتن و خطابه و وعظ بدون آگاهی، جز انحراف و گمراهی، نتیجه‌ای ندارد. واعظ و مربی باید با عمل خود دیگران را تربیت و هدایت نماید. گفتار بدون عمل نه تنها موجب هدایت نمی‌شود، بلکه گاهی ممکن است موجب سلب اعتماد و گمراهی شخص گردد.

سلیمانی‌کیا (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تربیت اسلامی و تربیت غیراسلامی با نگاه مقایسه‌ای»، نشان داد که اسلام تمام ابعاد وجودی انسان را برای رسیدن به کمال و عبودیت در نظر گرفته و خود انسان برای برنامه تربیتی اسلام موضوعیت دارد. حال آنکه در تربیت غیراسلامی، جامعه

موضوعیت دارد و تلاش تربیتی برای رسیدن به قدرت بوده و نهایتاً به زندگی خوب از نگاه اندیشمندان غیراسلامی منتهی می‌شود و حلقه فراموش شده در این تربیت، «خود انسان» است.

کریمی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تربیت شدن به مثابه فطری بودن»، نشان داد که روش تربیت فطری، فاعلی، قلبی و شهودی است که غالباً از طریق کنش‌های الهامی و پرهیزی، و نه القایی و ایجابی رخ می‌دهد. تأثیر کنش‌های الهامی برخلاف کنش‌های تجویزی، آزاد، سیال و غیرمستقیم بوده و منجر به کشف و شهود در مخاطب می‌شود. در این دیدگاه تربیت شدن به مثابه فعلیت بخشیدن به درون‌مایه‌های وجود آدمی است که با راهبرد «استخراج» و «اکتشاف» - و نه انتقال و اکتساب - نمایان می‌شود.

#### ۴. روش پژوهش

انتخاب روش مناسب، مهم‌ترین گام در فرایند پژوهش پس از مشخص شدن زمینه و موضوع پژوهش است. برای این کار باید پارادایم، استراتژی، و سایر عناصر فرایند پژوهش به درستی معین شوند. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام مبتنی بر حکمت‌های نهج‌البلاغه است. بنابراین، این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش اکتشافی یا بنیادین بوده و در زمره پژوهش‌های تک‌مقطعی قرار می‌گیرد؛ و از لحاظ روش، از نوع کیفی بوده و با توجه به اینکه از جزء به کل رسیده‌ایم، رویکرد این پژوهش، استقرایی است. منبع پژوهش برای استخراج مفاهیم، حکمت‌های نهج‌البلاغه بوده و از فن تحلیل مضمون که یک روش تحلیل کیفی قابل توجه، قوی و پرکاربرد برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل است، استفاده شد.

مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در خصوص داده‌ها، در رابطه با سؤالات پژوهش است. در این ارتباط، پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد، زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱). از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). در نهایت، همانگونه که استرلینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) بیان می‌کند، شبکه مضامین براساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند: الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن، ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)،



ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان يك كل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب یا الگو رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر يك از این سه سطح، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).

برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون، به جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی، ریشه در پارادایم کمی دارند، می‌توان از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» استفاده نمود (توینینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰م، ص ۱۰)، از همین دست، «لینکلن و گوبا<sup>۲</sup>» برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون: امکان اعتبار، اتکاءپذیری یا توانایی اتکاء، انتقالپذیری یا توان انتقال، تصدیق یا امکان تأیید را ارائه کرده‌اند (سینکوویچ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸م، ص ۶۹۳) که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع شده استفاده می‌شود (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷، ص ۱۶). در پژوهش حاضر، سنجه‌های مذکور به طرق مختلف تدارک شده که از مهمترین آنها، راهبرد «کدگذاران مستقل» است. این راهبرد، فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است (کینگ و هاروکس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰م، ص ۱۶۰). هدف کدگذاری مستقل، کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته، فکر کند. برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روش‌های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش توافق درصدی که پراستفاده‌ترین و ساده‌ترین روش برای سنجش پایایی بین کدگذاران است، استفاده شد، به این صورت که از چهار نفر از خبرگانی که به طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا ۵۰ درصد از کدگذاران بر آن صحه گذاشته بودند.

## ۵. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، در مرحله اول پژوهش، یافتن مضامین پایه مدنظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پایش آن، ۵۹ مضمون پایه به دست آمد که در جدول (۱) آمده است.

1. Twining
2. Lincoln & Guba
3. Sinkovics
4. King & Horrocks

## جدول ۱ - داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ش	مضمون پایه	شماره حکمت	داده
۱	پرهیز از طمع	۲	آنکه طمع را شعار خود گرداند، خود را خرد نمایند، آنکه راز سختی خویش بر هر کس گشود، خویشتن را خوار نمود. آنکه زبانش را بر خود فرمانروا ساخت، خود را از بهاء بینداخت.
۲	کنترل زبان	۳۸۱	سخن را تا ننگته‌ای در بند توست، چون گفتی تو در بند آنی، پس، زبانت را چون طلا و نقرهات حفظ کن، چه بسا یک کلمه نعمتی را از بین برده و عذابی را پیش آورد.
		۶۰	زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی، می‌گزد.
۳	سخن به‌جا	۲	آنکه طمع را شعار خود گرداند، خود را خرد نمایند. آنکه راز سختی خویش بر هر کس گشود، خویشتن را خوار نمود. آنکه زبانش را بر خود فرمانروا ساخت، خود را از بهاء بینداخت.
		۷۱	چون خرد کمال گیرد، گفتار نقصان پذیرد.
		۴۰	زبان خردمند در پس دل اوست، و دل نادان پس زبان او.
		۴۱	دل بی‌خرد در دهان اوست، و زبان خردمند در دل او
۴	پرهیز از بخل	۳۸۲	چیزی را که نمی‌دانی مگوی، حتی بسیاری از چیزهایی را که می‌دانی، بر زبان می‌آوری؛ زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده که در آن روز به آنها بر تو حجت آورد.
		۳	بخل ننگ است و ترس نقصان، و درویشی کندکننده زبان زیرک در برهان، و تنگدست بیگانه در دیار خود بر همگان.
۶	صبر و شکیبایی	۴	و ناتوانی، آفت است و شکیبایی، دلبری است و زهد، توانگری است و پارسایی، چونان سپر است. بهترین همنشین خشنودی است از خواست خداوند.
		۵۵	صبر بر دو گونه است: یکی صبر در آنچه آن را ناخوش می‌داری، و یکی صبر از آنچه دوستش می‌داری.
۷	ارزش علم و دانش	۲۰۵	هر آوندی بدانچه در آن نهند، تنگ شود، جز آوند دانش که هر چه در آن نهند، فراختر گردد.
		۱۴۷	[کمیل پسر زیاد گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) دست مرا گرفت و به بیابان برد، چون به صحرا رسید، آهی دراز کشید و گفت:] ای کمیل پسر زیاد، شناخت دانش، دین است که بدان گردن باید نهاد. آدمی در زندگی به دانش طاعت - پروردگار - آموزد و برای پس از مرگ نام نیک اندوزد، و دانش فرمانگذار است و مال فرمانبردار. کمیل، گنجوران مال‌ها مرده‌اند، گرچه زنده‌اند، و دانشمندان چندان که روزگار پاید، پاینده‌اند. تن‌هاشان ناپدیدار است و نشانه‌هاشان در دل‌ها آشکار. بدان که در اینجا [و به سینه خود اشارت فرمود] دانشی است انباشته، اگر فراگیری برای آن می‌یافتم، آری یافتم آن را که تیزدریافت بود، لیکن امین نمی‌نمود، با دین دنیا می‌انداخت و به نعمت خدا بر بندگانش برتری می‌جست، و به حجت علم بر دوستان خدا بزرگی می‌فروخت.
		۷۹	حکمت را هر جا باشد فراگیر، که حکمت - گاه - در سینه منافق بود، پس در سینه‌اش بجنبد تا برون شود و با همسان‌های خود در سینه مؤمن بیارم.
		۸۰	حکمت گمشده مؤمن است. پس حکمت را فراگیر، هر چند، از زبان منافقان باشد.
		۹۲	فروتر علم آن است که بر سر زبان است و برترین، آنکه میان دل و جان است.

ش	مضمون پایه	شماره حکمت	داده
		۵۴	هیچ بی‌نیازی چون خرد نیست، و هیچ درویشی چون نادانی و هیچ میراثی چون فرهیخته بودن و هیچ پشتیبانی چون مشورت نمودن.
۸	اندیشیدن پیرامون مسائل مختلف	۵	دانش میراثی است گزین و آداب، زیورهای نوین - جان و تن - و اندیشه آینه روشن.
۹	روابط اجتماعی	۱۰	با مردم چنان بیامیزید که اگر مردید، بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید، به شما مهربانی ورزند.
	مردمداری	۳۵	هر که به کاری بشتابد، که مردمش ناخوش دارند، درباره‌اش آن گویند که ندادند.
۱۰	حفظ اسرار	۶	سینه خردمند صندوق راز اوست و گشاده‌رویی دام دوستی و بردباری گور زشتی‌هاست. [یا که فرمود:] آشتی کردن، نهان جای زشتی‌هاست و آنکه از خود خشنود بود، ناخشنودان او بسیار شود.
۱۱	خوشرویی و بشاشت		
۱۲	اعتماد به نفس		
۱۳	سعه صدر	۱۷۶	ابزار سروری، شکیبایی در تحمل نامرادی‌ها است.
۱۴	عظمت آفرینش انسان	۸	از این آدمی شگفتی گیرید: با پیه می‌نگرد و با گوشت سخن می‌گوید، و با استخوان می‌شنود، و از شکافی دم برمی‌آورد.
		۱۲	ناتوان‌ترین مردم کسی است که نیروی به دست آوردن دوستان ندارد، و ناتوان‌تر از او کسی بود که دوستی به دست آرد و او را ضایع گذارد.
۱۵	دوست‌یابی	۳۸	[او به فرزند خود حسن(ع) فرمود: پسرکم، چهار چیز از من بیاد دار، و چهار چیز دیگر به خاطر سپار که چند که بدان کار کنی، از کرده خود زبان نبوی: گرانمایه‌ترین بی‌نیازی خرد است، و بزرگ‌ترین درویشی، بی‌خردی است و ترسناک‌ترین تنهایی، خودپسندی است و گرامی‌ترین حسب و نسب، خوی نیکوست. پسرکم از دوستی نادان بپرهیز، چه او خواهد که تو را سود رساند، لیکن دچار زیان‌ت گرداند، و از دوستی بخیل بپرهیز، چه او آنچه را سخت بدان نیازمندی، از تو دریغ دارد، و از دوستی تبه‌کار بپرهیز که به اندک بهایت بفروشد، و از دوستی دروغگو بپرهیز که او سراب را ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند.
		۱۳۴	دوست از عهده دوستی برنیاید، تا برادر خود را در سه چیز نیاید: هنگامی که به بلا گرفتار شود، هنگامی که حاضر نبود، هنگامی که درگذرد.
		۱۴۲	دوستی ورزیدن نیمی از خرد است.
۱۶	شکرگزاری	۱۳	چون طلیعه نعمت‌ها به شما رسید، با ناسپاسی دنباله آن را مرید.
۱۷	صله رحم	۱۴	آن را که نزدیک واگذارد، یاری دور را به دست آرد.
۱۸	به‌روز بودن و متناسب با زمان تصمیم گرفتن	۱۷	[و آن حضرت را از فرموده رسول(ص) پرسیدند «پیری را با خضاب بپوشانید و خود را همانند پیهود مگردانید» گفت:] او که درود خدا بر وی باد، چنین فرمود: - و شمار مرد- دین اندک بود. اما اکنون که میدان اسلام فراخ گردیده و دعوت آن به همه جا رسیده، هر کس آن کند، که خواهد.

ش	مضمون پایه	شماره حکمت	داده
۱۹	گذشت	۲۰	از لغزش جوانمردان درگذرید، که کسی از آنان نلغزید، جز که دست خدایش بر فرازاید.
۲۰	نکوهش ترس	۲۱	ترس با نومییدی همراه است، و آرزم با بی‌بهرگی هم‌عنان، و فرصت چون ابر گذران. پس فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید.
۲۱	اولویت عمل بر نسب	۲۳	آنکه کرده وی، او را به‌جایی نرساند، نسب او وی را پیش نراند.
۲۲	کمک به مردم	۲۴	از کفاره گناهان بزرگ، فریادخواه را به فریاد رسیدن است، و غمگین را آسایش بخشیدن.
۲۳	خدا ترس	۲۵	پسر آدم چون دیدی پروردگارت پی‌درپی نعمت‌های خود به تو می‌رساند و تو او را نافرمانی می‌کنی، از او ترس.
		۱۲۹	بزرگی خداوند در نظر تو سبب می‌شود که آفریدگان در چشمت خرد آیند.
۲۴	ضرورت یاد مرگ	۲۹	هنگامی که تو زندگی را پشت‌سر می‌گذاری، و مرگ به تو روی می‌آورد، پس دیدار با مرگ چه زود خواهد بود.
۲۵	اعتدال در امور	۳۳	بخشنده باش و اسراف‌کار مباش و میانه‌رو باش و سخت‌گیر مباش.
۲۶	پرهیز از اسراف		
۲۷	ترک آرزو	۱۹	هر که همراه آرزوی خویش تازد، مرگش به سر دراندازد.
		۳۴	برترین توانگری، ترک آرزوها است.
۲۸	پیروی از منطق و عقل	۳۶	بدون عمل به آرزوها امید بستن.
		۳۸	[او به فرزند خود حسن(ع) فرمود: پسرکم چهار چیز از من بیاد دار، و چهار دیگر به خاطر سپار که چند که بدان کار کنی، از کرده خود زیان نبری: گرانمایه‌ترین بی‌نیازی، خرد است، و بزرگ‌ترین درویشی، بی‌خردی است و ترسناک‌ترین تهیایی، خودپسندی است و گرامی‌ترین حسب، خوی نیکوست. پسرکم، از دوستی نادان پرهیز، چه او خواهد که تو را سود رساند، لیکن دچار زیانت گرداند، و از دوستی بخیل پرهیز، چه او آنچه را سخت بدان نیازمندی، از تو دریغ دارد، و از دوستی تبهکار پرهیز که به اندک بهایت بفروشد، و از دوستی دروغگو پرهیز که او سراب را مانده، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند. خود پسندیدن مانع به‌زیادت رسیدن است. ۱۶۷ خود پسندیدن آدمی، یکی از حسودان خرد اوست. ۲۱۲ ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی (اخلاقی): و درود خدا بر او، فرمود: گناهی که تو را پشیمان کند، بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وادارد. ۴۶ پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی در به کار انداختن رأی، و به کار انداختن رأی در نگاهداشتن اسرار. ۴۸ هیچ بی‌نیازی چون خرد نیست، و هیچ درویشی چون نادانی و هیچ میرائی چون فرهیخته بودن و هیچ پشیمانی چون مشورت نمودن. ۵۴ و هر که خودکامگی پیشه کند، به هلاکت رسد و هر که با مردم مشورت نماید، در خردشان شریک شده است. ۱۶۱
۲۹	پرهیز از خودپسندی	۳۸	[او به فرزند خود حسن(ع) فرمود: پسرکم چهار چیز از من بیاد دار، و چهار دیگر به خاطر سپار که چند که بدان کار کنی، از کرده خود زیان نبری: گرانمایه‌ترین بی‌نیازی، خرد است، و بزرگ‌ترین درویشی، بی‌خردی است و ترسناک‌ترین تهیایی، خودپسندی است و گرامی‌ترین حسب، خوی نیکوست. پسرکم، از دوستی نادان پرهیز، چه او خواهد که تو را سود رساند، لیکن دچار زیانت گرداند، و از دوستی بخیل پرهیز، چه او آنچه را سخت بدان نیازمندی، از تو دریغ دارد، و از دوستی تبهکار پرهیز که به اندک بهایت بفروشد، و از دوستی دروغگو پرهیز که او سراب را مانده، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند. خود پسندیدن مانع به‌زیادت رسیدن است. ۱۶۷ خود پسندیدن آدمی، یکی از حسودان خرد اوست. ۲۱۲ ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی (اخلاقی): و درود خدا بر او، فرمود: گناهی که تو را پشیمان کند، بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وادارد. ۴۶ پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی در به کار انداختن رأی، و به کار انداختن رأی در نگاهداشتن اسرار. ۴۸ هیچ بی‌نیازی چون خرد نیست، و هیچ درویشی چون نادانی و هیچ میرائی چون فرهیخته بودن و هیچ پشیمانی چون مشورت نمودن. ۵۴ و هر که خودکامگی پیشه کند، به هلاکت رسد و هر که با مردم مشورت نماید، در خردشان شریک شده است. ۱۶۱
۳۰	پرهیز از غرور	۴۶	ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی (اخلاقی): و درود خدا بر او، فرمود: گناهی که تو را پشیمان کند، بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وادارد.
۳۱	دوراندیشی	۴۸	پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی در به کار انداختن رأی، و به کار انداختن رأی در نگاهداشتن اسرار.
۳۲	مشورت در کارها	۵۴	هیچ بی‌نیازی چون خرد نیست، و هیچ درویشی چون نادانی و هیچ میرائی چون فرهیخته بودن و هیچ پشیمانی چون مشورت نمودن.
		۱۶۱	و هر که خودکامگی پیشه کند، به هلاکت رسد و هر که با مردم مشورت نماید، در خردشان شریک شده است.

ش	مضمون پایه	شماره حکمت	داده
۳۳	قناعت در زندگی	۵۷	قناعت مالی است که پایان نیابد.
۳۴	نصیحت	۵۸	آنکه تو را -گزرگندی- ترسانند، چون کسی است که تو را مؤده رساند.
۳۵	غفلت از گذر عمر	۶۴	مردم دنیا همچون سوارانند که در خوابند و آنان را می‌رانند.
۳۶	پرهیز از افراط و تفریط	۷۰	نادان را نبینی جز که کاری را از اندازه فراتر کشاند، و یا بدانجا که باید نرساند.
۳۷	خودسازی	۷۳	آنکه خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد، و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید، و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است، از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.
		۳۵۹	ای اسیران آز، باز ایستید که گراینده دنیا را آن هنگام بیم فرا آید که بلاهای روزگار دندان به هم ساید. مردم، کار ترتیب خود را خود برانید و نفس خود را از عادت‌ها که بدان حریص است، بازگردانید.
		۳۶۵	اندیشه آینه‌ای است تابناک، و پند روزانه ترساننده‌ای از غل و غش پاک، و تو را در ادب کردن نفس بس که دوری کنی از آنچه نپسندی از دیگر کس.
۳۸	مهارت نه گفتن	۸۵	هر که از گفتن «نمی‌دانم»، سر باز زند، به هلاکت رسد.
۳۹	بهره بردن از تجربه دیگران	۸۶	تدبیر پیر را از دلیری جوان دوست‌تر می‌دارم.
۴۰	اطاعت از اوامر و نواهی خدا	۱۰۵	همانا خدا بر عهده شما واجب‌هایی نهاده، آن را ضایع مکنید و حدودی برایتان نهاده، از آن مگذرید و از چیزهایی تان بازداشته، حرمت آن را مشکنید و چیزهایی را برای شما نگفته، و آن را از روی فراموشی وانگذازده، پس خود را درباره آن به رنج می‌فکنید.
۴۱	عالم بی عمل	۱۰۷	بسا دانشمند که نادانی وی او را از پای درآورد، و دانش او با او بود، او را سودی نکرد.
۴۲	غنیمت شمردن فرصت‌ها	۱۱۸	از دست دادن فرصت، اندوهی گلوگیر است.
۴۳	عمل به احکام الهی	۱۳۶	نماز تقرب هر پرهیزگار است و حج جهاد هر ناتوان، و برای هر چیز زکاتی است و زکات تن، روزه است، و جهاد زن بودن شوی را به فرمان.
		۱۴۶	ایمان خود را با صدقه نگاه دارید، و مال هاتان را با زکات دادن، و موج‌های بلا را با دعا برانید.
۴۴	شناخت افراد از روی گفتار	۱۴۸	آدمی نهفته در زیر زبان خویش است.
۴۵	خودشناسی	۱۴۹	کسی که ارج خود نشناخت، جان خود را باخت.
۴۶	پایبندی به عهد و پیمان	۱۵۵	چنگ در پیمان‌های کسانی درآرید، که چشم وفا از ایشان دارید.
۴۷	تحمل سختی‌ها	۲۱۳	بر آزار و درد بایدت تحمل نمود، و گرنه هرگز خرسند نخواهی بود.
		۳۵۱	چون سختی به نهایت رسد، گشایش آید و چون حلقه‌های بلا تنگ گردد، آسودگی فرارسد.
۴۸	عاقل و جاهل	۲۳۵	عاقل را برای ما وصف کن، فرمود: عاقل کسی است که هر چیز را به جای خود می‌نهد. گفتند: جاهل را برای ما وصف کن، فرمود: وصف کردم.
۴۹	افزایش توانایی‌ها	۲۴۵	چون توانایی بیفزاید، خواهش کم آید.

ش	مضمون پایه	شماره حکمت	داده
۵۰	مهارت در سخنوری	۲۶۰	این خطیب شحش است. [یعنی در خطبه خواندن رسا و در پیگیری آن تواناست، و هر که پیگیری سخن تواند، یا راهی را پی گرفته و پوید، شحش است، و شحش جز در این مورد، به معنی بخیل نابخشنده بود]
		۳۹۴	بسا سخن که از جمله کارگتر بود.
۵۱	ضرورت عمل به دانسته‌ها	۲۷۴	دانش خود را نادانی مینگارید، و یقین خویش را گمان مپندارید، و چون دانستید دست به کار آرد، و چون یقین کردید، پای پیش گذارید.
		۳۶۶	باید که علم با عمل همراه باشد. پس، هر که آموزد، باید که به کار بندد. علم، عمل را فرامی‌خواند، اگر پاسخ داد، می‌ماند و گرنه، از آنجا رخت برمی‌بندد.
۵۲	اهمیت مداومت در کارها	۲۷۸	اندکی که با آن بیایی، به از بسیاری که از آن دلگیر آیی.
		۳۸۶	آن که چیزی را جوید، بدان، یا به برخی از آن رسد.
		۴۴۴	اندکی که دوام دارد، به از بسیاری که ملال آرد.
۵۳	خوشنویسی	۳۱۵	[و به نویسنده خود عبیدالله بن ابی رافع فرمود:] دوات را لایقه بینداز و از جای تراش تا نوک خامهات را دراز ساز، و میان سطرها را گشاده دار و حرف‌ها را نزدیک هم آر، که چنین کار زیبایی خط را سزاوار است.
۵۴	سوال پرسیدن	۳۲۰	برای فهمیدن بپرس، نه به قصد جدل؛ زیرا نادانی که چیزی می‌آموزد، همانند داناست و دانایی که پای از دایره انصاف بیرون می‌نهد، به نادان می‌ماند.
۵۵	عمل‌گرا بودن	۳۳۷	آنکه -مردم را به خدا- خواند و خود به کار نپردازد، چون تیرافکنی است که از کمان بی‌زه، تیر اندازد.
۵۶	هماهنگی علم فطری و اکتسابی	۳۳۸	دانش دو گونه است: در طبیعت سرشته، و به گوش هشته، و به گوش هشته سود ندهد، اگر در طبیعت سرشته نبود.
۵۷	سبک زندگی اسلامی	۳۹۰	مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است، و ساعتی که در آن زندگانی خود را کارساز است، و ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس دم‌ساز است، و خردمند را تسزد که جز پی سه چیز رود: زندگی را سر و سامان دادن، یا در کار معاد گام نهادن، یا گرفتن کام از چیزهای غیرحرام.
۵۸	ضرورت آزمون افراد	۴۳۴	ببازمای تا دشمن آن گردی.
۵۹	ضرورت تعلیم علم	۴۷۸	خداوند، نادان را به آموختن موظف نساخت، مگر آنگاه که دانایان را موظف ساخت که نادانان را تعلیم دهند.

همان‌گونه که در جدول (۱) آمده است، با بررسی حکمت‌های نهج‌البلاغه (شهیدی، ۱۳۷۲)، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه، نزدیک‌ترین درون‌مایه به جملات کلیدی است. به عنوان مثال، مضمون عبارت «سینه خردمند صندوق راز اوست و گشاده‌رویی دام دوستی و بردباری، گور زشتی‌هاست. [یا که فرمود:] آشتی کردن، نپایان جای زشتی‌هاست و آنکه از خود خشنود بود، ناخشنودان او بسیار شود». این سند شامل حداقل سه مورد است. حفظ اسرار، خوش‌رویی و بشاشت، اعتماد به نفس و سعه صدر از ویژگی‌های زندگی اجتماعی انسان می‌باشد. همچنین مضمون «خداوند، نادان را به آموختن موظف

ساخت، مگر آنگاه که نادانان را موظف ساخت که نادانان را تعلیم دهند»، «ضرورت تعلیم» نام‌گذاری شده است. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه (کدهای اولیه)، ضمن توجه به عظمت و بزرگی حکمت‌های نهج البلاغه، چهار الزام کلی در کدها کشف کرد. این الزامات، همان ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی نامیده شد؛ چراکه برای ایجاد و فراگیر شدن تعلیم و تربیت اسلامی در کشور، این الزامات مورد نیاز بوده و برای اصلاح و تحول نظام آموزش و پرورش باید بدان‌ها توجه گردد.

**ویژگی اول** «برنامه‌های عملی برای زندگی شخصی و اجتماعی انسان» می‌باشد. منظور، ارائه راه‌حل‌های صحیح و عملی در زمینه پرورش و آموزش انسان، مبتنی بر شناخت دقیق و کامل ماهیت انسان و نیازهای واقعی اوست. از این‌رو کسی می‌تواند عهده‌دار این مسئولیت سنگین شود، که چنین شناختی داشته باشد و او جز خدای یگانه نمی‌تواند باشد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۶). به عنوان مثال، «چیزی را که نمی‌دانی مگویی، حتی بسیاری از چیزهایی را که می‌دانی، بر زبان می‌آور؛ زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده که در آن روز به آنها بر تو حجت آورد». در موردی دیگر امام علی (ع) می‌فرماید: «چون توانایی بیفزاید، خواهش کم آید»، و یا «هر که از گفتن «نمی‌دانم» سر باز زند، به هلاکت رسد». **ویژگی دوم** «نظارت مداوم خداوند بر اعمال انسان» می‌باشد. در تعلیم و تربیت اسلامی سعی بر آن است این بینش به انسان داده شود که خدا همیشه همراه و ناظر بر اعمال اوست و او در هیچ حالی تنها نیست که اشاره به آیه «و هو معکم اینما کنتم واهلل بما تعملون بصیر» (حدید، ۴) دارد. طبیعی است وقتی که انسان در هر حال خدا را ناظر بر خود بداند، سعی می‌نماید که با او مخالفت نکرده و حتی تحمّل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی برایش آسان می‌شود، که خود سبب ورزیدگی و استقامت او خواهد شد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۶). به عنوان مثال می‌توان به عبارت‌هایی از گفتارهای حضرت علی (ع) اشاره نمود: «پسر آدم، چون دیدی پروردگارت پی‌درپی نعمت‌های خود را به تو می‌رساند و تو او را نافرمانی می‌کنی، از او بترس»، و «همانا خدا برعهده شما واجب‌هایی نهاده، آن را ضایع مکنید و حدودی برایتان نهاده از آن مگذرید و از چیزهایی تان بازداشته، حرمت آن را مشکنید و چیزهایی را برای شما نگفته و آن را از روی فراموشی وانگذازده، پس، خود را درباره آن به رنج می‌فکنید». **ویژگی سوم** «توجه به حیات اخروی» می‌باشد. در همه مراحل تعلیم و تربیت اسلامی، سعی بر آن است که به تریبی تفهیم شود که ضمن پرداختن به امور دنیوی در حد ضرورت، همواره تلاش برای آخرت را مقدم دارد. از نظر اسلام، دنیا بهترین وسیله برای رسیدن انسان به آخرت سعادت‌مند بوده و دنیا جایگاه تکامل انسان است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۶). به عنوان مثال در همین ارتباط می‌توان به عبارت‌هایی از گفتارهای حضرت علی (ع)

اشاره نمود: «هر که همراه آرزوی خویش تازد، مرگش به سر دراندازد»، و یا «هنگامی که تو زندگی را پشت سر می‌گذاری و مرگ به تو روی می‌آورد، پس، دیدار با مرگ چه زود خواهد بود». ویژگی چهارم «فراگیری همیشگی علم» می‌باشد. خرد و خردورزی همواره از جایگاهی خاص در تعلیم و تربیت اسلامی برخوردار بوده است. بیان اهمیت جایگاه خرد و خردورزی در قالب ۳۱۱ آیه در قرآن، خود دلیلی آشکار بر این مدعا است. مسلماً چنین تأکید و اهمیتی در مکتب شیعه دوچندان می‌شود، هنگامی که معتبرترین کتب حدیثی این مکتب، همچون «اصول کافی» و «بحار الانوار»، باب‌های نخستین خود را با عناوین «و الجهل باب العقل» و «فضل العلم» به تحصیل علم اختصاص داده‌اند و سپس به بحث پیرامون اصول دین می‌پردازند (شکری نصرت‌آبادی و خدیوی، ۱۳۹۸، ص ۷). به عنوان مثال در همین ارتباط می‌توان به عبارت‌هایی از گفتارهای حضرت علی (ع) اشاره نمود: «حکمت را هر جا باشد فراگیر که حکمت - گاه- در سینه منافق بود، پس، در سینه‌اش بجنبد تا برون شود و با همسان‌های خود در سینه مؤمن بیارمد»، و یا «حکمت گمشده مؤمن است. پس، حکمت را فراگیر، هرچند، از زبان منافقان باشد».

در نهایت رابطه بین مضامین چهارگانه به این شکل مطرح است: تعلیم و تربیت باید بدنبال تربیت انسان‌ها در حوزه مسائل شخصی، اجتماعی و دینی باشد. در واقع در ویژگی اول، انسان برای زندگی اجتماعی و شخصی و مهارت‌های فردی، در ویژگی‌های دوم و سوم پیرامون مسائل دینی و در ویژگی چهارم برای کسب علم و دانش تربیت می‌گردد. جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول (۲) مشاهده کرد.

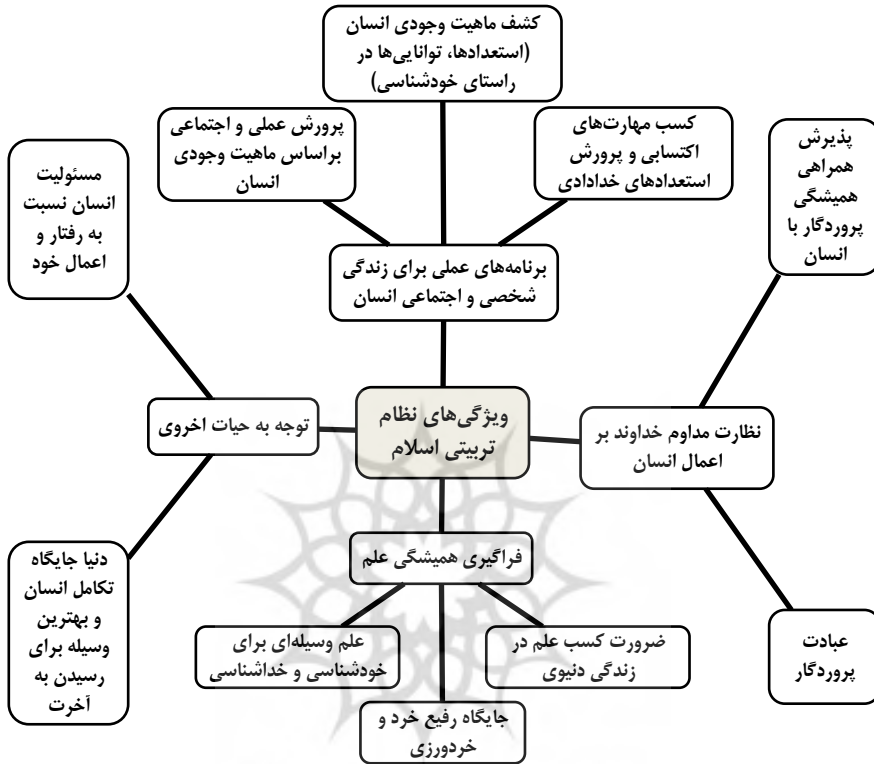
جدول ۲ - مضامین پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	شماره مضامین پایه
برنامه‌های عملی برای زندگی شخصی و اجتماعی انسان	پرورش عملی و اجتماعی براساس ماهیت وجودی انسان	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵ و ۵۷
	کشف ماهیت وجودی انسان (استعدادها، توانایی‌ها در راستای خودشناسی)	
	کسب مهارت‌های اکتسابی و پرورش استعداد‌های خدادادی	
نظارت مداوم خداوند بر اعمال انسان	پذیرش همراهی همیشگی پروردگار با انسان عبادت پروردگار	۲، ۱۴، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۵۷ و ۵۸
توجه به حیات اخروی	دنیای جایگاه تکامل انسان و بهترین وسیله برای رسیدن به آخرت مسئولیت انسان نسبت به رفتار و اعمال خود	۱، ۴، ۹، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۴۱، ۴۳، ۴۶ و ۵۷
فراگیری همیشگی علم	جایگاه رفیع خرد و خردورزی ضرورت کسب علم در زندگی دنیوی علم وسیله‌ای برای خودشناسی و خداشناسی	۷، ۸، ۱۸، ۲۱، ۲۸، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۶ و ۵۹



باتوجه به جدول (۲) می‌توان نمای تصویری یا شبکه مضامین پژوهش را در قالب شکل (۱) نشان

داد.



شکل ۱ - شبکه مضامین پژوهش

### ۶. نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش یک زیربنای مهم برای پیشرفت چند بُعدی یک کشور است. در کشورهای پیشرفته جهان از دیرباز تا به امروز، تلاش‌های بسیاری برای طراحی نظام‌های آموزشی شده است که بخشی از یک ساختار مهم توسعه کشورها است. در نظام اسلامی، آموزش و پرورش بخشی از یک نظام عظیم تعلیم و تربیت در چارچوب مفاهیم اسلامی تعریف شده است. در واقع الگوهای تربیتی اسلامی برگرفته از کتاب آسمانی قرآن و منابع ارزشمندی از جمله نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و سیره نبی اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) است. شیوه‌ها و روش‌های تربیتی کاربردی و مهمی که از پیش از تولد نوزاد تا سال‌های تحصیل و غیره به صورت کامل در منابع مذکور شرح داده شده است.

بررسی و تحلیل‌های انجام شده، رابطه بین مضامین چهارگانه را به این شکل نشان داد که: تعلیم و

تربیت باید بدنبال تربیت انسان‌ها در حوزه مسائل شخصی، اجتماعی و دینی باشد. در ویژگی اول، انسان برای زندگی اجتماعی و شخصی و مهارت‌های فردی، در ویژگی‌های دوم و سوم پیرامون مسائل دینی و در ویژگی چهارم برای کسب علم و دانش تربیت می‌گردد. باید نظام تعلیم و تربیتی طراحی گردد که شامل این چهار ویژگی در تمام بخش‌ها باشد تا شاهد تحقق تربیت اسلامی بود.

براساس یافته‌های پژوهش که بررسی مضامین حکمت‌های نهج‌البلاغه است، می‌توان پیشنهادهایی را برای نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد که البته با نگاهی به سند تحول نظام تعلیم و تربیت در راستای تحقق تربیت اسلامی در مدارس، به بخشی از آن‌ها اشاره‌هایی نیز شده است، که به شرح زیر است: ۱. استفاده از چهار ویژگی مطرح شده در تمام سطوح نظام تعلیم و تربیت،

۲. باید تلاش شود تا رویکرد تربیتی، اولویت اول نظام تعلیم و تربیت قرار گرفته و سپس به بحث‌های آموزشی پرداخته شود. آموزش با رویکرد تربیتی، یعنی نقش تربیت دانش‌آموزان صرفاً با معلم پرورشی در مدارس نیست، بلکه وظیفه اصلی با معلم است که ساعات بیشتری را با دانش‌آموز سپری می‌کند. معلم فیزیک، زیست‌شناسی، ریاضی و غیره با طرح مسائل آموزشی، زمینه نمایش خلق خداوند را فراهم و باعث خداشناسی عملی برای دانش‌آموزان می‌گردند.

۳. تربیت دانش‌آموزان همراه با مهارت برای زندگی فردی و اجتماعی ضروری است. آموزش یک مهارت به دانش‌آموزان در دوران تحصیل ۱۲ ساله در آموزش و پرورش، یک ضرورت مهم برای آینده آن‌ها است.

۴. توجه به جنبه دینی و درک وجود خداوند در زندگی، باید از سال اول آموزش آغاز و به شیوه‌هایی، آشنایی دانش‌آموزان به مرور در طی سال‌های تحصیلی بیشتر شود. تقویت آموزش‌های غیررسمی در این راستا کمک شایانی خواهد کرد.

۵. تربیت عالم‌زمانی در نظام تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد که ماهی‌گیری به دانش‌آموزان آموخته شود. صرف حفظ و آزمون دادن، موجب یادگیری نخواهد شد.

۶. توجه به علم‌آموزی در عین تعلق خاطر پیدا کردن به مباحث علمی و متفکر شدن دانش‌آموزان، ضروری است.

۷. نظام تربیت معلم نیز باید همراه با نظام تعلیم و تربیت اصلاح شود و چه بسا ضرورت بهره‌مندی نظام تربیت معلم از چهار ویژگی مطرح شده، بسیار بیشتر باشد.

۸. توجه به مباحث دینی و اخلاقی در تربیت معلم بسیار مهم و ضروری است؛ چراکه معلمان تربیت‌کننده نسل‌های آینده ایران اسلامی هستند.

## — منابع —

### نهج البلاغه.

- احمدی، زهرا (۱۴۰۰). اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در نهج البلاغه. در: میناب: همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره از نگاه معلم.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۸). ترجمه نهج البلاغه. نشر دارالعرفان: قم.
- دانایی‌فرد، حسن؛ مظفری، زینب (۱۳۸۷). ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱(۱)، ص ۱-۲۳.
- دروار، زینب؛ قادری، علی؛ نعمت‌الهی، سوسن (۱۳۹۵). معلم و تعلیم و تربیت در نهج البلاغه و از کلام امیرالمومنین علی (ع). در: پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- ربانی، حسن؛ جوانشیر، صالح؛ نظری، میلاد؛ ملکی مقدم، علی (۱۳۹۶). خصوصیات تعلیم و تربیت و ارتباط آنها از منظر اسلام. در: قم: سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- روستایی، علیرضا (۱۳۸۹). چگونه با مشکلات مواجه و آنها را قدرتمندانه حل کنیم. اصفهان: انتشارات بینش آزادگان.
- ستایش‌فر، طیبه (۱۳۹۵). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی براساس تربیت مغزمحور. ایده‌های نو در علوم و فناوری، ۳(۱)، ص ۸۱-۹۳.
- سلطانی، محمدرضا؛ خانی؛ علی (۱۳۹۵). استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری. مدیریت اسلامی، ۲(۲۴)، ص ۱۰۵-۱۳۳.
- سلیمانی‌کیا، علیرضا (۱۳۹۷). تربیت اسلامی و تربیت غیراسلامی با نگاه مقایسه‌ای. در: سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
- شکری نصرت‌آبادی، احترام؛ خدیوی، اسدالله (۱۳۹۸). آشنایی با شاخصه‌ها و ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی و بهره‌گیری از آنها برای آموزش کودکان دبستانی. پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۱(۱)، ص ۱-۲۰.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۲). ترجمه و شرح نهج البلاغه. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهاردهم.
- صالحی، اکبر؛ تهامی، رحیمه سادات (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه. تربیت اسلامی، شماره ۹. ص ۷۵-۹۴.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- قاسمی، وحید؛ نورمحمدی دوین، عباس؛ رضایپورمنفرد، احمد (۱۳۹۵). بررسی تعلیم و تربیت اسلامی از منظر سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه. در: بابل: دومین کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۳). تربیت شدن به مثابه فطری بودن. تربیت اسلامی، ۹(۱۹)، ص ۱۳۸-۱۱۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه؛ انتشارات اسوه، ج ۱.
- گروه نویسندگان (۱۳۸۸). تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. مؤسسه امام خمینی، ج ۱.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۲). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام. ترجمه گروه مترجمان. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ موسسه انتشارات کتاب نشر، ج ۱.

مرادی مهرآبادی، فاطمه (۱۳۹۸). مبانی تعلیم و تربیت در صحیفه سجادیه و نهج البلاغه. پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، ۱۹(۲)، ص ۲۷۳-۲۹۷.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار. قم: صدرا، ج ۲۲، چاپ یازدهم.

ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹). مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام. ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: آستان قدس رضوی.

Amini, L. & Yan, C. (2011). A Case Study of College English Curriculum Design Under the Social Needs Analysis. *Studies in Literature and Language*, 3(3), p.1-5.

King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London: Sage.

Sinkovics, R.R. (2008). Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business. *MIR*, 48(6), p. 689-714.

Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), p. 385-405.

Twining, J. (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaborator: In Search of Understanding for Prospective Participants*. Denton, Texas Woman's University.

